بررسی تأثیر تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی افغانستان بر میزان تولید

عصمت‌الله محمدی[1]

چکیده

در سیستم‌های اقتصادی امروز، نظام‌های مالی، بازار پول و سرمایه و به دنبال آن مؤسسات مالی و اعتباری که بانک‌ها در رأس آن قرار دارند اهمیت بسیاری یافته اند. فعالیت نظام بانکی در افغانستان با تأسیس یک بانک خصوصی در ۱۳۱۲ آغاز شد، اما فعالیت آن فقط نزدیک به دو دهه ابتدایی و انتهایی از عمر خویش در اقتصاد افغانستان چشمگیر بود. در این تحقیق، تاثیر عملکرد بانک‌های خصوصی افغانستان در رشد اقتصادی از طریق شاخص اعطای تسهیلات تولیدی با استفاده از روش پنل دیتا، نرم افزارEviews و داده‌های سری زمانی سال‌های ۱۳۹۸– ۱۳۸٤ بررسی گردید.

نتایج نشان داد که تسهیلات اعطایی بر رشد اقتصادی افغانستان بی‌تأثیر بوده است؛ با توجه به تجربه موفق برخی از کشورها در استفاده از توان بانک‌ها برای بهبود رشد اقتصادی، توصیه می‌شود که دولت برای استفاده از توان باالقوه بانک‌ها در ایجاد ثبات و رشد اقتصادی پایدار تلاش کنند و با تنظیم قوانین، نظارت بر فعالیت‌های بانکی را برای مهار فساد و کاهش نفوذ قدرتمندان تشدید نماید. بانک مرکزی افغانستان که سیاستگذار و ناظر عملکرد بانک‌ها است باید با افزایش نظارت مؤثر خود، سود حاصل از فعالیت‌های بانک‌های خصوصی را در جهت رشد اقتصادی افغانستان هدایت کند.

کلیدواژه‌گان: بانک خصوصی، اقتصاد افغانستان، رشد اقتصادی، خلق پول، تسهیلات اعطایی.

---

[1]. دانش‌پژوه ارشد اقتصاد جامعه المصطفی(ص) العالمیه. Esmatollah.m@gmail.com

۱- مقدمه

نقش و اهمیت واسطه‌های مالی مخصوصا بانک‌ها در تسهیل مبادلات تجاری و بازرگانی، تجهیز پس اندازها و سپس تخصیص آن به بخش‌های مختلف اقتصادی و برآیند این کار که توسعه بازارها و رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد برای همه روشن است. اهمیت بانک‌ها در تجهیز منابع داخلی و تخصیص مطلوب آن به سرمایه‌گذاری‌های مولد در کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته که از یک سو درآمد سرانه پایینی دارند و ازسوی دیگر تمایل به مصرف بالا، پراکندگی و اندک بودن میزان پس اندازها و منابع مالی جهت تجهیز سرمایه‌ها، بیشتر است. فعال‌تر بودن نظام بانکی، داد وستدها را راحت‌تر کرده و با توسعه سرمایه گذاری، رشد و توسعه اقتصادی نیز سرعت بیشتری یافته و احتمال ورشکستگی تمام فعالین بازار از جمله بانک‌ها به دلیل گستردگی فعالیت‌های بانکی کاهش می‌یابد.

سرمایه‌گذاری بر رشد و توسعه اقتصادی و متغییرهای کلان اقتصادی نظیر اشتغال و تولید اثر مستقیم دارد لذا با توجه به محدود بودن منابع سرمایه‌گذاری درکشورهای درحال توسعه، دولتها مجبور به دخالت در سرمایه‌گذاری به شیوه‌های مختلف می‌شوند.

هدایت و کنترل متغیرهای عمده اقتصاد کلان از طریق اجرای سیاست‌های پولی از وظایف نظام بانکی است که تنظیم و اجرای آن به صورت مشخص به عهده بانک مرکزی از طریق ابزارهای مختلف با توجه به شرایط موجود می‌باشد.

مطالعات در بسیاری از کشورها نشان داده است که بین تسهیلات بانک‌های خصوصی در زمینه تولید و رشد اقتصادی رابطه مثبت وجود دارد لذا تامین اعتبار توسط بانک‌های خصوصی هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی باید مورد توجه قرارگیرد و اعتبارات ارائه شده باید باعث افزایش سرمایه‌گذاری و بهره وری به میزان بسیار بیشتری نسبت به اعتبارات اعطایی به بخش عمومی شود. قطعا ارزیابی دوام پروژه توسط ارائه دهندگان تسهیلات مالی برای بهبود کیفیت سرمایه‌گذاری بسیار مهم است.

یکی از مهم‌ترین اصلاحات و اقدامات دولت افغانستان بعد ازسال۱۳۸۰ حمایت از حضور بانک‌های خصوصی با هدف بهبود خدمات بانکی و متعاقبا حضور پر رنگ آنها در

اقتصاد افغانستان می‌باشد. با توجه به رابطه مثبت میان تسهیلات بانک‌های خصوصی در زمینه تولید با رشد اقتصادی، در این نوشتار به بررسی تاثیرعملکرد بانک‌های خصوصی در رشد اقتصادی افغانستان در فاصله زمانی بین سالهای ۱۳۸٤ تا ۱۳۹۸ پرداخته می‌شود و میزان موفقیت و عدم توفیق شان در رشد اقتصادی از طریق شاخص ارائه تسهیلات مورد بحث قرار می‌گیرد.

سیستم بانکی با بخش‌های کلان اقتصاد کشور مرتبط است و هرگونه بی ثباتی و بحران در آن، اختلال و نا به سامانی در متغیرهای کلان اقتصادی از جمله تولید را در پی دارد. با توجه به کاهش کمک‌های بین المللی و ضرورت تامین منابع مالی دولت از فعالیت‌های اقتصادی داخلی وخارجی، بررسی عملکرد بانک‌های خصوصی و تاثیر آن بر رشد اقتصادی کشور و ارائه راهکار برای سهم گیری بیشتر آنها ضروری به نظر می‌رسد.

۲- پیشینه تحقیق

در زمینه تاثیر بانک‌های خصوصی(و دولتی) بررشد اقتصادی کشورها تحقیقات زیادی صورت گرفته است اما جای خالی پژوهش در این موضوع در افغانستان کاملا خالیست.

۱- بیژنی(۱۳۹۵) در پایان نامه کارشناسی ارشدش تحت عنوان« نقش تسهیلات اعطایی بانک‌ها بررشد اقتصادی بخش‌های مختلف کشور» به بررسی نقش تسهیلات بانکی به بخش‌های کشاورزی، خدمات و صنعت و اثر آن بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از روش خود رگرسیون برداری(VAR) پرداخته و نتیجه گرفته است که تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران تاثیر مثبت و معنی‌دار داشته است.

۲- جمشیدی صفا(۱۳۹٤) در پایان نامه کارشناسی ارشدش تحت عنوان« تاثیر روابط بلند مدت میان تسهیلات اعطایی بانکی و تولید بخش صنعتی» به بررسی عملکرد بخش مالی(تسهیلات سیستم بانکی) و تاثیر آن بر بخش حقیقی(تولید بخش صنعت) اقتصاد ایران طی سالهای ۱۳۹۲- ۱۳٦۰ با استفاده از الگوی اقتصاد سنجی خود بازگشتی با وقفه‌های توزیعی(ARDL) پرداخته و وجود رابطه معنادار در بلند مدت میان تسهیلات اعطایی سیستم بانکی و تولید بخش صنعت را اثبات می‌کند.

۳- ختایی(۱۳۷۸) در تحقیقی به مطالعه رابطه میان گسترش بازارهای مالی و رشد

اقتصادی ایران در فاصله زمانی ۱۳۷۳-۱۳۳۸ با استفاده از روش ۲SLS می‌پردازد و نشان می‌دهد که رابطه مثبت بین نرخ رشد اقتصادی با حجم اعتبارات بانک‌های تجاری داخلی و همچنین با مطالبات سیستم بانکی از بخش غیرمالی خصوصی به کانال اعتبارات داخلی وجود دارد. در این بررسی، بین نرخ رشد اقتصادی و نسبت نقدینگی(۲M) به GDP و نسبت مطالبات سیستم بانکی از بخش غیرمالی خصوصی به GDP رابطه منفی نشان داده شده است.

٤- لزگی و همکاران(۱۳۸۸) در مقاله ای با عنوان «بررسی و تحلیل میزان اثربخشی تسهیلات اعطایی شبکه بانکی استان قزوین بر رشد بخش‌های عمده اقتصادی طی سالهای ۱۳۸٤-۱۳۷٦» اثر بخشی تسهیلات بانکی را بر رشد بخش‌های عمده اقتصادی براساس دیدگاه‌های نظریه پردازان مکتب شیکاگو(پولیون) بررسی کردند و به کمک مدل داده‌های تلفیقی نشان دادند که رابطه میان تولید و تسهیلات، معنی‌دار ولی بسیار ضعیف و منفی می‌باشد. آنها توصیه کردند که سرانه میزان تسهیلات بانکی به بخش‌های تولید برای بهبود امکان کنترل، نظارت و اثربخشی افزایش یابد.

٥- محرابیان و شفائی(۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان«تاثیر اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران» به بررسی اثر تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی در ایران طی سالهای ۱۳۸۷-۱۳۵۷ با استفاده از مدل VAR پرداختند و نتیجه گرفتندکه اعتبارات اعطایی بانکی به بخش غیردولتی و هزینه‌های آموزش بر رشد اقتصادی اثر مثبت و اعتبارات تخصیص یافته به بخش دولتی در بلندمدت بر رشد اقتصادی اثر منفی داشته است.

٦- صمصامی و همکار(۱۳۹۰)، اثر تسهیلات بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت و معدن را در سال‌های ۱۳۸٦-۱۳٥٦ براساس روش ۳SLS بررسی کردند و نشان دادند که تسهیلات بانکی بر ارزش افزوده بخش صنعت و معدن تاثیر داشته است.

۷- مهدوی(۱۳۸۸)در پایان نامه خود با عنوان«بررسی و تحلیل نحوه اعطای تسهیلات در نظام بانکی» به ارزیابی عملکرد بانک‌های تخصصی، تجاری و مرکزی طی سال‌های ۱۳۸٦-۱۳٦٦ پرداخت. نتایج نشان داد که همواره عملکرد بانک‌ها در اعطای تسهیلات به بخش‌های اقتصادی، بیشتر از سقف‌های تعیین شده)مصوب شورای پول و اعتبار(بوده و

استفاده از ابزارهای سیاستهای پولی در تعیین میزان و نحوه اعطای تسهیلات کارایی اندکی داشته است. همچنین نشان داد که بیشتر فعالیت بانک‌ها در بخش‌های اقتصادی متمرکز است که سودآوری بیشتری دارند. به طوری که در طول این(دو) دهه بانک‌ها بیشتر تمایل داشته اند، در بخش خدمات و بازرگانی به دلیل سودآوری بیشتر و کوتاه مدت بودن تسهیلات، سرمایه‌گذاری نمایند.

۸- موسویان و رمزیاری(۱۳۹۲) در مقاله با عنوان «بررسی تاثیر بانکداری بدون ربا بر رشد اقتصادی ایران»، ارتباط بین تامین مالی بانکداری بدون ربا و رشد اقتصادی در ایران را با استفاده از مدل خود همبسته با وقفه‌های توزیعی(ARDL) در محدوده زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۰بررسی کردند و نشان دادند که بانک داری بدون ربا بر رشد اقتصادی در ایران اثر معنادار دارد.

۹- پورعجم(۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثر خلق پول بانکی بر متغیرهای کلان اقتصادی در یک الگوی تعادل عمومی(مطالعه موردی اقتصاد ایران)» سعی کرده است با در نظر گرفتن بخش بین بانکی و لحاظ ترازنامه بانک‌های تجاری و بانک مرکزی، تاثیر نرخ ذخیره قانونی با فرض اختصاص تمام منابع بانک‌ها به سرمایه درگردش بنگاه‌های واسطه ای و فرض خرید دارایی توسط بانک‌ها، بر متغیرهای کلان اقتصادی و نرخ‌های بهره بین بانکی نظیر نرخ سود سپرده و نرخ تسهیلات و تاثیر آن‌ها بر سپرده‌گذاری خانوار و توانایی وام دهی بانک‌ها بررسی نماید.

۱۰-امچتا[۱] نقش اعتبارات بانکی بر رشد اقتصادی نیجریه را با تکنیک فرم تعدیل شده خودرگرسیون برداری و با استفاده از اطلاعات سری زمانی ۲۰۱۱-۱۹۶۰ بررسی کرده است. GDP جاری متغیر وابسته و نماینده رشد اقتصادی و اعتبارات بانکی به بخش خصوصی (CPS) نسبت به GDP و پول گسترده (۲M) نسبت به GDP نماینده شاخص مالی بودند و با استفاده از آزمون رشته واحد دیکی فولر تعمیم یافته (ADF) و فیلیپس

---

[۱] . EMECHETA

پرون (PP) متغیرهای ثابت آزمون گردید. مهمترین یافته وجود رابطه مثبت معنی دار بین تسهیلات بانکی به بخش خصوصی، پول گسترده و رشد اقتصادی بود. این نتیجه نشان داد که با تقویت و افزایش سرمایه بانک‌ها به توسعه خوشایند دست پیدا می‌کنیم.

۱۱-ایوجنیا[۱] و همکاران(۲۰۱۸) به بررسی «بانکهای تجاری و رشد اقتصادی در نیجریه) پرداختند. در این مطالعه سهم بانک‌های تجاری در رشد اقتصادی نیجریه با استفاده از داده‌های ثانویه مربوط به دوره ۱۹۸۰-۲۰۱٦ با استفاده از مدل رگرسیون حداقل مربعات معمولی (OLS) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت تا رابطه بین واسطه گری مالی (از جمله سایر متغیرهای القا کننده رشد) و رشد اقتصادی در نیجریه نیز مشخص شود. نتایج نشان داد که واسطه گری مالی – معیار اصلی عملکرد بانک‌های تجاری تأثیر مثبت و معنی داری بر رشد اقتصادی نیجریه دارد.

۱۲-ابوشربه[۲] (۲۰۱۷) در مقاله ای با عنوان « تأثیر توسعه بخش بانکی بر رشد اقتصادی: تجزیه و تحلیل تجربی از اقتصاد فلسطین» به بررسی تأثیر برخی از شاخص‌های بخش بانکی (تسهیلات اعتباری ، صندوق سپرده گذاران ، تعداد شعب و نرخ بهره) بر تولید ناخالص داخلی با استفاده از داده‌های سه ماهه از دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ پرداخت. با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی ، اثبات گردید که تقویت بخش بانکی به میزان قابل توجهی بر رشد تأثیر می‌گذارد و اعتبارات بانکی با رشد اقتصادی رابطه مثبت دارد به این معنی که توسعه صنعت بانکداری به عنوان مورد اصلی تولید ، تمایل به ارتقاء ظرفیت تولید اقتصاد فلسطین دارد. اما نرخ بهره ، سپرده‌های مشتری و تعداد شعب تأثیر معنی داری بر رشد اقتصادی ندارند.

۱۳-اورنگ زیب[۳] (۲۰۱۲) به بررسی « سهم بخش بانکی در رشد اقتصادی پاکستان » پرداخت. داده‌های مورد استفاده در این مطالعه از دوره ۱۹۸۱ تا ۲۰۱۰ از ۱۰ بانک جمع

---

۱. EUGENIA, OKPALA NGOZI
۲. ABUSHARBEH, MOHAMMED T
۳. AURANGZEB

آوری گردید. نتایج رگرسیون نشان داد که سپرده‌ها، سرمایه گذاری‌ها، پیشرفت‌ها، سودآوری و سود بهره تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی پاکستان دارد. آزمایش Granger-Causality رابطه علی دو طرفه سپرده‌ها، پیشرفت‌ها و سودآوری با رشد اقتصادی را تأیید کرد.

۱۴-احمد(۲۰۱۹) «توسعه بخش بانکی و رشد اقتصادی در بنگلادیش» را با استفاده از برخی شاخص‌های بخش بانکی مانند عرضه پول، اعتبارات خصوصی و داخلی به عنوان شاخص توسعه مالی تلاش کرد تا رابطه بین رشد اقتصادی و توسعه مالی را بررسی کند. با استفاده از داده‌های سری زمانی سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۶، روشهای اقتصاد سنجی و شواهد تجربی، ارتباط یک طرفه و دو طرفه بین توسعه مالی و رشد اقتصادی در بنگلادیش اثبات گردید. در حقیقت، توسعه مالی یکی از عوامل اولیه برای رشد اقتصادی پویا در کوتاه مدت و بلند مدت می‌باشد.

در این تحقیق با بهره گیری از تجربیات محققین در کاربرد روشهای اقتصاد سنجی و روشهای تجزیه و تحلیل اطلاعات، عملکرد بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی در افغانستان با استفاده از شاخص ارائه تسهیلات بررسی می‌شود.

۳- مبانی نظری

۳-۱- عوامل رشد

رشد اقتصادی به دو عامل اقتصادی(منابع طبیعی، تمرکز سرمایه، سازمان تولید، پیشرفت‌های تکنولوژیک، تقسیم کار و مقیاس تولید وتغییرات زیربنایی) و غیراقتصادی (عوامل اجتماعی، عوامل انسانی وعوامل سیاسی و تشکلیلاتی) بستگی دارد(قره باغیان، ۱۳۸۹: ۱، ۹۵-۷۸).

۳-۲- سرمایه‌گذاری

در اقتصاد کلان، سرمایه‌گذاری عبارت است از مخارج نهایی که به حفظ و تداوم یا افزایش ظرفیت تولید کالاها و خدمات در اقتصاد (طی یک دوره مشخص) می‌انجامد(رحمانی، ۱۳۸٦: ۲، ۱۷۵). با این وصف خرید اوراق بهادار یا اوراق قرضه یا داراییهای فیزیکی موجود در جامعه، سرمایه‌گذاری نیست بلکه تنها تغییر مالکیت است

وتغییری در موجودی سرمایه بوجود نیامده است.

برخی آن را تصمیمی دانسته‌اند «که بر اساس آن سرمایه گذار مصرف کنونی خود را در ازای بدست آوردن مصرف بیشتر در آینده به تأخیر میاندازد»(مساح، ۱۳۸٤).

از دید بازیگران بازارهای مالی، سرمایه‌گذاری «خرید اقلام دارایی و یا اوراق بهاداری است که میزان بازده و ریسک مورد انتظار آن دارای تناسب باشد» و یا «سرمایه‌گذاری خرید اقلام دارایی و یا اوراق بهاداری است که با گذشت زمان منجربه ایجاد درآمد و افزایش ارزش برای سرمایه گذار خواهد شد»(ابراهیمی، ۱۳۸۷).

«سرمایه گذاری به دو شکل عمده واقعی و مالی تقسیم می‌شوند. سرمایه‌گذاری واقعی نوعی سرمایه گذاری است که فرد با فدا کردن ارزشی در زمان حاضر، نوعی دارایی واقعی به دست می‌آورد. خرید ملک یا آپارتمان نمونه ای از این سرمایه‌گذاری است. در سرمایه گذاری مالی، فرد در ازای فدا کردن ارزش حاضر، نوعی دارایی مالی که نتیجه آن معمولاً جریانی از وجوه نقد است، به دست می‌آورد»(عبدالله زاده،۱۳۸۱) این دو نوع سرمایه‌گذاری مکمل هم هستند و می‌توان همزمان از هردو نوع برای نیل به اهداف اقتصادی استفاده کرد. در این پژوهش ، منظور از سرمایه گذاری، شکل مالی آن است.

«مطالعه سرمایه‌گذاری به دلیل نقش دوگانه ای که در اقتصاد ایفا می‌کند حائز اهمیت است؛ از یک سو بخش بزرگی از مخارج کل را شامل می‌شود و بدین سبب تغییر آن، اثر قابل توجّهی بر تقاضا می‌گذارد و از سوی دیگر، نقش مهمی بر عرضه و تولید دارد؛ زیرا سرمایه‌گذاری بیان گر افزایش موجودی سرمایه است. در الگوی تقاضای کل، سرمایه‌گذاری را متغیّری غیرمستقل و درون زا فرض می‌کنیم‌که مقدار متغیّر درچارچوب آن الگو تعیین می‌شود» (جمشیدی صفا، ۱۳۹٤: ۱۵).

«هدف سرمایه گذار بخش خصوصی کسب سود حداکثری است که مابه التفاوت درآمدخالص(درآمد منهای مالیات) و هزینه هاست و زمانی سرمایه‌گذاری قابل توجیه است که سود آوری طرح بالاتر از هزینه فرصتی باشدکه با عدم اختصاص آن به طرح‌های دیگر بدست می‌آورد. در خصوص تاثیراعتبارات و تسهیلات بانکی بر روی سرمایه‌گذاری در قالب تئوری‌های سیاست پولیِ اقتصاد کلان تردیدی وجود ندارد و نقش سیاست پولی

در تشویق سرمایه‌گذاری حائز اهمیت است. برای این منظور، مقامات پولی وبانکی، از طریق ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه‌های سرمایه گذاری، اقداماتی را انجام می‌دهند که سرمایه‌گذاری در اقتصاد افزایش یابد»(جمشیدی صفا، ۱۳۹٤: ١٦).

۳-۳- سیاست پولی

«سیاست پولی مجموعه تدابیری است که بانک مرکزی برای تغییر در حجم پول و نقدینگی در راستای تثبیت اوضاع اقتصادی اعمال می‌کند»(دادگر و رحمانی، ۱۳۸۲). مجموعه بانک‌های یک کشور مخصوصا بانک‌های خصوصی تابع سیاست‌های پولی آن می‌باشند و باید در چارچوب مشخص شده حرکت کنند.

اهداف سیاست‌های پولی را می‌توان در تسریع رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمتها، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت‌های خارجی خلاصه نمود. بانک‌های مرکزی و مسئولین پولی کشورها برای اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری از اهرم‌ها و ابزاهایی مثل نسبت ذخایر قانونی سپرده‌ها، تسهیلات تنزیل مجدد و نرخ آن، عملیات بازار باز، کنترل مستقیم اعتبارات و تعیین نسبت نقدینگی بانک‌ها می‌توانند استفاده کنند(توتونچیان، ۱۳۷۵).

«اغلب اقتصاددانان به لحاظ نظری معتقد به اثرگذاری پول برتولید ناخالص داخلی حداقل در کوتاه مدت هستند. مطالعات تجربی نیز اثرات شوکهای پولی برتولید برای دوره‌های زمانی قابل توجه در آمریکا و سایر کشورهای OECD[1] را تأیید می‌کنند. در همین چارچوب رومر از اثرات حقیقی یک سیاست پولی به عنوان یک واقعیت یاد می‌کند. تأثیر پول بر سطح قیمتها و تورم نیز مورد توافق اغلب اقتصاددانان است. در حال حاضر سیاست پولی یکی از مهمترین ابزارهای حاکمیت برای ایجاد ثبات قیمتها و کاهش شکاف تولید)شکاف میان تولید محقق شده و تولید در سطح اشتغال کامل(است»(گزارش راهبردی مدیریت و اقتصاد-۳۹، ۱۳۹٦: ٤٤).

---

[1]. Organisation for Economic Co-operation and Development

از میان دو نوع ابزاری که بانک‌ها برای اجرای سیاست‌های پولی در اختبار دارند و به ابزارهای مستقیم)عدم اتکا بر شرایط بازار) و غیرمستقیم)مبتنی بر شرایط بازار(معروفند، در افغانستان استفاده از ابزارهای غیرمستقیم بیشتر رایج است. تعیین نسبت سپرده قانونی تحت عنوان ذخایر الزامی(گزارش سالانه بانک مرکزی افغانستان،۱۳۹٤: ۸۳)، اجرای عملیات بازار باز از طریق عرضه اوراق بهادار(سرمایوی) و فروش ارز(همان، ص۱۱) و سپرده ویژه بانک‌ها نزد بانک مرکزی(همان، ص۲۲) از ابزارهای غیرمستقیم و مورد استفاده بانک مرکزی برای اجرای سیاستهای پولی می‌باشد.

۳-۴- روشهای اثرگذاری پول بر تولید

مطالعات صورت گرفته در این مورد به دوصورت مستقیم و غیرمستقی اثر عامل مالی را مورد بررسی قرار داده است:

۳-۴-۱- استفاده مستقیم تسهیلات(پول) در تابع تولید با استفاده از تئوری پولی

جوزف شومپیتر(۱۹٤۳) استدلال می‌نماید که خدمات فراهم شده از سوی واسطه‌های مالی از ضروریات توسعه اقتصادی است. درسالهای بعد نیز پیرو همین نظریات و همچنین تبعیت از نظریات مکتب پولیون (پول مبنا)، گلداسمیت (۱۹٦۹) و مکینون (۱۹۷۳) در پژوهش‌های تجربی خود وجود یک ارتباط قوی میان توسعه اقتصادی و رشد تولید و نظام مالی برای تعدادی از کشورها را تأیید کردند. کینگ و لوین(۱۹۹۳) نیز با بکارگیری شواهد مربوط به۸۰ کشور برای دوره زمانی (۱۹۸۹-۱۹٦۰) نشان دادند که معیارهای مختلف توسعه مالی ارتباط قوی با شاخص‌های رشد و کارایی اقتصادی دارند. در پژوهش دیگر لوین(۱۹۹۳) دریافت که توسعه مالی برانگیزاننده رشد اقتصادی است و سیاستهایی که توسعه مالی را ارتقاء می‌بخشند محرک رشد اقتصادی نیز هستند. در این مطالعات پول به عنوان یک نهاده در تابع تولید مطرح می‌گردد؛ چراکه باعث تسهیل در معاملات می‌گردد (جمشیدی صفا، ۱۳۹٤: ٤۱).

۳-۴-۲- اثر غیر مستقیم تسهیلات بر تولید

در ارتباط با تأثیر سیاست پولی بر بخش حقیقی اقتصاد عموماً متغیر تولید بیش از سایر متغیرها مورد تاکید قرار می‌گیرد. در این راستا، متغیرهای تورم و نرخ بهره مهمترین عوامل

در متغیرهای اسمی و حقیقی ارزیابی می‌شوند. به طور کلی، راههای تأثیرگذاری سیاست پولی بر متغیرهای حقیقی را میتوان به هزینه اعتبارات، تغییر قیمت داراییها و اعتبارات بانکی تقسیم بندی کرد. براساس مکانیزم اعتبارات بانکی که مبتنی بر بازارهای مالی است، انتقال سیاست پولی به سه روش: تأثیر بر وضعیت منابع مالی بانک‌ها(کانال اعتبار یا دیدگاه وام)، تأثیر بر تامین منابع مالی خارج از بنگاه‌ها و همچنین در اختیار گرفتن نهاده بیشتر برای محصول بر تولید تأثیر می‌گذارد. بر اساس روش اول با اتخاذ سیاست پولی انبساطی قدرت وام دهی بانک‌ها افزایش می‌یابد. از این رو، وجوه لازم برای تامین مخارج سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد و موجب افزایش تقاضای کل می‌شود. در روش دوم، سیاست پولی از طریق عرضه اعتبارات بانک‌های تجاری، هزینه تامین منابع مالی خارج از منابع داخلی بنگاه‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد و بنابراین با توجه به مابه التفاوت هزینه تامین منابع از خارج و تسهیلات بیشتری که در اختیار بنگاه‌ها قرار گرفته است، منابع مالی بیشتری آزاد می‌گردد و در اختیار بنگاه‌ها قرار می‌گیرد و با افزایش سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها تولید افزایش می‌یابد. بر مبنای روش سوم، سیاست پولی انبساطی موجب بکارگرفتن بیشتر عوامل تولید در جریان تولید می‌گردد، لذا انتظار می‌رود که محصول نیز افزایش یابد.

همچنین جایگاه اعتبارات بانکی در ساختار مالی بنگاه‌ها مبنای اقتصاد خردی دارد یعنی در سطح بنگاه، رابطه اعتبارات بانکی با سرمایه گذاری، اشتغال، مواداولیه و در نتیجه تولید بنگاه‌ها تحلیل می‌شود. بنگاه‌ها برای تامین منابع مالی سرمایه‌گذاری می‌توانند از منابع داخلی و بیرونی استفاده نمایند. منابع داخلی شامل ذخیره استهلاک و سود تقسیم نشده و منابع بیرونی شامل قرض گرفتن (وام و انتشار اوراق قرضه) و فروش سهام جدید است. با توجه به هزینه هرکدام از منابع مالی، تصمیم سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها تحت تأثیر قرار می‌گیرد(برانسون، ۱۳۸٦: ۱۰۵).

٤- داده‌های تحقیق

در مطالعه پیش رو، از داده‌های سری زمانی فصلی متغیرهایی مثل اعتبارات اعطایی بانک‌های خصوصی(Log LOAN) و نیروی کار (Log LABOR) به عنوان متغیرهای

مستقل و تولید ناخالص داخلی(Log GDP) به قیمت‌های پایه فعلی(Current GDP) به عنوان نماینده متغیر رشد اقتصادی و متغیر وابسته استفاده شده است. تمام متغیرهای تحقیق بر اساس مقاله امچتا(۲۰۱٤: ۱۱-۲۲) انتخاب شده است. داده‌های مورد نظر در فاصله زمانی ۱۳۹۸-۱۳۸٤ از آمارهای سالانه بانک مرکزی افغانستان(DAB)، بانک جهانی(WB)، صندوق بین المللی پول(IMF) و بانک توسعه آسیا(ADB) جمع آوری و دسته بندی شده است. جهت آزمون فرضیه از روش همبستگی بین متغیرها و معادلات رگرسیون چند متغیره، رابطه ذیل براساس روش پنل دیتا و با استفاده از نرم افزار Eviews۹ برآورد گردید:

$$\log(GDP_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \log(GDP_{it-1}) + \beta_2 \log(LOAN_{it}) + \beta_3 \log(LABOR_{it}) + U_{it}$$

که در آن رشد اقتصادی $-\log(GDP_{it})-$ به عنوان متغیر وابسته و تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی به بخش‌های اقتصادی(صنعت، کشاورزی و خدمات)- $(Log(LOAN_{it})-$ و نیروهای شاغل در بخش حقیقی(صنعت، کشاورزی و خدمات)- $(Log(LABOR_{it})-$ به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته شده است. به دلیل اثرگذاری نرخ رشد اقتصادی یک دوره بر دوره بعدی، از متغیر $(\log(GDP_{it-1})$ در سمت راست مدل استفاده شده است و نشان دهنده پویایی در مدل می‌باشد.

جامعه آماری این تحقیق، بانک‌های خصوصی افغانستان است که هفت بانک(بانک عزیزی، بانک بین المللی افغانستان، بانک افغان یونایتد، بانک میوند، بانک اسلامی افغانستان، بانک غضنفر و نخستین بانک تامین مالی خرد) را شامل می‌باشد.

۵- متغییرهای الگوی پژوهش

۵-۱- رشد اقتصادی بخش حقیقی

تولید ناخالص داخلی، مجموع ارزش کالاها و خدمات نهایی تولید شده طی یک دوره(یک سال) توسط افراد یک کشور می‌باشد(نظری،۱۳۹۱: ۳۹). طبق تعریف فوق، در محاسبه تولید ناخالص داخلی فقط ارزش کالاها و خدمات نهایی محاسبه می‌شود تا از محاسبه مضاعف جلوگیری شود.

اجزای تشکیل دهنده تولید ناخالص داخلی عبارتند ازهزینه‌های مصرفی بخش

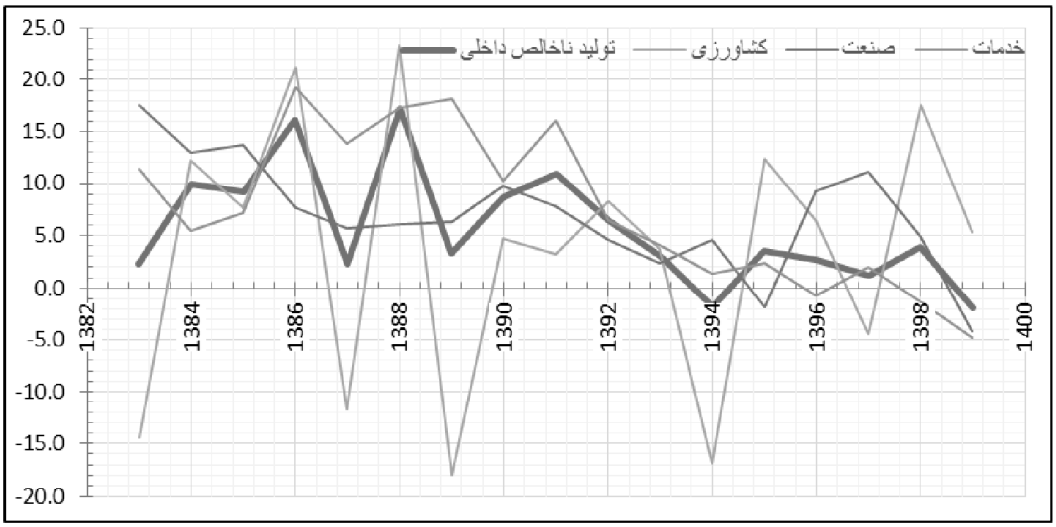
خصوصی، هزینه‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، هزینه‌های بخش دولتی، خالص صادرات و غیره.

$$GDP = C + S + G + (X-M) + \Delta INV$$

از آنجا که مقدار تولید ناخالص داخلی معرف اندازه اقتصاد یک کشور و ظرفیتهای تولیدی آن است بنابراین می‌توان از آن به عنوان یکی از شاخصهای بررسی عملکرد اقتصادی استفاده کرد. برای بیان میزان رفاه و برخورداری مردم یک کشور از تولید ناخالص داخلی سرانه استفاده می‌شود که گویای سهم تولیدی هر نفر در سال است. این شاخص بیان می‌کند که رفاه افراد یک کشور بستگی به تولید ناخالص داخلی و جمعیت آن کشور دارد. چنانچه رشد جمعیت بیش از رشد تولید ناخالص باشد، به همان میزان از رفاه آنها کاسته خواهد شد.

برخی از منابع، دو اصطلاح ارزش افزوده تمام بخش‌های اقتصادی و تولید ناخالص داخلی را مخصوصا در سطح کلان مترادف دانسته‌اند که عبارت است از ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه. ارزش افزوده معیار سنجش مشارکت تولید کنندگان منفرد یا بخش‌های تولیدی درتولید ناخالص داخلی محسوب می‌شود(ضیائی بیگدلی و طهماسبی، ۱۳۸٤: ۲٤).

شکل ۱ رشد تولید ناخالص داخلی و اجزاء تشکیل دهنده آن.[۱]



حضور نیروهای ناتو در افغانستان که منجر به سقوط طالبان شد، امیدواری را برای ایجاد ثبات سیاسی و امنیتی افزایش داد و موجب بازگشت تعداد زیادی از مهاجرین که عمدتا دارای سرمایه و ایده سرمایه‌گذاری و کارآفرینی بودند گشت. در کنار این موضوع، کمک‌ها و سرمایه گذاریهای خارجی باعث شد تا بازسازی زیرساختهای اقتصادی و ایجاد کارگاهها، کارخانه‌ها و موسسات مختلف صنعتی و خدماتی در راس برنامه‌های دولت و بخش خصوصی قرار گیرد. نتیجه آن شد که از سال ۱۳۸۲ به بعد اقتصاد افغانستان روند رو به رشدی را تجربه کرد. تولید ناخالص داخلی آن از ۲٤۰.٦۷ میلیارد افغانی در سال ۱۳۸۲ به ۱۵۲۰.۳۹ میلیارد افغانی در سال ۱۳۹۹ رسید و علیرغم فراز و فرودهای شدید مخصوصا در دهه۸۰ به طور متوسط، سالانه ۵.۸۵ درصد رشد داشت.[۲]

در سال ۱۳۸۸ افغانستان با رشد ۱۷.۲ درصد(بانک مرکزی افغانستان، میزان رشد را در این سال، ۲۰.٦ درصد ذکر کرده است) (گزارش سالانه بانک مرکزی افغانستان،

[۱] afg-key-۲۰۲۱, asian development bank
[۲] afg-key-۲۰۲۱, asian development bank

۱۳۸۸)، بیشترین رشد اقتصادی و در سال ۱۳۹۹ با رشد ۱.۹- درصد، کمترین رشد اقتصادی را داشت.

نقش بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی طی سالهای مورد بررسی، متاثر از شرایط آب و هوایی و میزان بارندگی، بسیار پرنوسان (۱۸٪- تا ۲۳.۳٪)بوده است.

بخش صنعت شروع خوبی داشت اما با گذشت زمان، حجم فعالیت‌های این بخش کاهش یافت و بجز سال‌های ۱۳۹٦و۱۳۹۷ در کل روند نزولی به خود گرفت. ظاهرا تشدید نا امنی‌ها، بروکراسی و فساد اداری، عدم تامین برق مورد نیاز و... از عوامل مؤثر بوده است. بیشترین سهم را در افزایشGDP بخش خدمات داشته است. طی ۱۸ سال، این بخش به طور متوسط بیش از نیمی از تولیدات ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است.

۵-۲- اشتغال در بخش حقیقی

برای استخراج اطلاعات مربوط به اشتغال، ابتدا آمار مربوط به کل نیروهای شاغل بالای ۱۵ سال و درصد نیروهای شاغل در بخش‌های سه گانه کشاورزی، صنعت و خدمات را از سایت بانک جهانی تهیه و با استفاده از آن، نیروهای شاغل در آنها محاسبه گردید که در جدول (۱) قابل مشاهده می‌باشد:

جدول۱ درصد و تعداد نیروهای شاغل در بخش‌های مختلف اقتصادی افغانستان

سال	کل نیروی کار	سهم اشتغال بخش کشاورزی	سهم اشتغال بخش صنعت	سهم اشتغال بخش خدمات	اشتغال در بخش کشاورزی	اشتغال در بخش صنعت	اشتغال در بخش خدمات
۱۳۸۲	۵۸۸٦۹۰۷	٦۳.۷۰	۱۰.۳۵	۲۵.۹۵	۳۷٤۹۹٦۰	٦۰۹۲۹٤.۹	۱۵۲۷٦۵۲
۱۳۸۳	٦۱۹۸۳۵٦	٦۳.۲۷	۱۰.٦۱	۲٦.۱۲	۳۹۲۱۷۰۰	٦۵۷٦٤۵.٦	۱٦۱۹۰۱۱
۱۳۸٤	٦٤۸۳٤۵۹	٦۲.۱۵	۱۱.۳۳	۲٦.۵۳	٤۰۲۹٤۷۰	۷۳٤۵۷۵.۹	۱۷۲۰۰٦۲
۱۳۸۵	٦٦٤٤۳٦۱	٦۱.۲۸	۱۱.۷۹	۲٦.۹۳	٤۰۷۱٦٦٤	۷۸۳۳۷۰.۲	۱۷۸۹۳۲٦
۱۳۸٦	٦۷۷۰۳٦۷	٦۰.۱٤	۱۲.۲۰	۲۷.٦٦	٤۰۷۱٦۹۹	۸۲۵۹۸٤.۸	۱۸۷۲٦۸٤

۱۳۸۷	٦٨٨٧٨١٩	٥٩.٢٩	١٢.٤٨	٢٨.٢٣	٤٠٨٣٧٨٨	٨٥٩٥٩٩.٨	١٩٤٤٤٣١
۱۳۸۸	٧٠٢٨٢٣٤	٥٦.٨٩	١٣.٦٣	٢٩.٤٨	٣٩٩٨٣٦٢	٩٥٧٩٤٨.٣	٢٠٧١٩٢٣
۱۳۸۹	٧٢١٤٣٧٤	٥٤.٥٨	١٤.٦٦	٣٠.٧٧	٣٩٣٧٦٠٥	١٠٥٧٦٢٧	٢٢١٩٨٦٣
۱۳۹۰	٧٥٢٢٦٤٣	٥٣.٥٦	١٤.٧٥	٣١.٦٩	٤٠٢٩١٢٨	١١٠٩٥٩٠	٢٣٨٣٩٢٦
۱۳۹۱	٧٨٩٠٩٤٦	٥١.٤٠	١٥.٧٧	٣٢.٨٣	٤٠٥٥٩٤٦	١٢٤٤٤٠٢	٢٥٩٠٥٩٨
۱۳۹۲	٨٣٠٧٨٤٦	٤٩.٨٢	١٦.٣٣	٣٣.٨٥	٤١٣٨٩٦٩	١٣٥٦٦٧١	٢٨١٢٢٠٦
۱۳۹۳	٨٧٤١٧٤٩	٤٨.٤١	١٦.٧٧	٣٤.٨٢	٤٢٣١٨٨١	١٤٦٥٩٩١	٣٠٤٣٨٧٧
۱۳۹٤	٩١٧٥٦٩١	٤٧.٠٧	١٧.١٧	٣٥.٧٦	٤٣١٨٩٩٨	١٥٧٥٤٦٦	٣٢٨١٢٢٧
۱۳۹٥	٩٥٦٧٢٧٧	٤٥.٨١	١٧.٣٢	٣٦.٨٧	٤٣٨٢٧٧٠	١٦٥٧٠٥٢	٣٥٢٧٤٥٥
۱۳۹٦	٩٩٤٨٦٦٠	٤٣.٩٩	١٨.٠٣	٣٧.٩٩	٤٣٧٦٤١٦	١٧٩٣٧٤٣	٣٧٧٩٤٩٦
۱۳۹۷	١٠٣١٩١٥٣	٤٣.١٣	١٨.٤٦	٣٨.٤١	٤٤٥٠٦٥١	١٩٠٤٩١٦	٣٩٦٣٥٨٧
۱۳۹۸	١٠٧٠١٥٤٩	٤٢.٥٠	١٨.٥٥	٣٨.٩٦	٤٥٤٨١٥٨	١٩٨٥١٣٧	٤١٦٩٣٢٣

بانک جهانی و یافته‌های تحقیق

٦- روش تجزیه و تحلیل داده ها

٦-١- تخمین مدلهای رگرسیون با داده‌های پنل(ترکیبی)

«به خاطر ارتباط داده‌های تابلویی به افراد، بنگاه ها، ایالات، کشورها و... در طی زمان، وجود ناهمسانی واریانس در این واحدها محدود می‌شود. تکنیکهای تخمین با داده‌های تابلویی، می‌توانند این ناهمسانی واریانس را با متغیرهای تکی و خاص مورد ملاحظه و بررسی قرار دهند. همچنین با ترکیب مشاهدات سری زمانی و مقطعی، داده‌های تابلویی با اطلاعات بیشتر، تغییر پذیری بیشتر، همخطی کمتر میان متغیرها، درجات آزادی بیشتر و کارایی بیشتری را ارائه می‌دهند در نتیجه، تاثیراتی را که نمیتوان به سادگی در داده‌های مقطعی وسری زمانی مشاهده کرد، بهتر نشان می‌دهند وبا حداقل سازی تورشی که ممکن است در نتیجه لحاظ افراد یا بنگاه‌ها (به صور ت جمعی و کلی) حاصل شود، ما را قادر می‌سازند تا مدلهای رفتاری پیچیده را بهتر مطالعه کنیم»(مهربانی، ۱۳۹۷: ٥٥).

۶-۲- آزمونهای انتخاب مدل در پنل دیتا

۶-۲-۱- آزمون چاو(آزمون f)

این آزمون به منظور انتخاب روش تخمین مدل از بین روش‌های Pooling و Pannel انجام می‌شود. در داده‌های ترکیبی اثرهای زمانی و مقطعی داده‌ها و همچنین تاثیر همزمان آنها آزمون می‌شود. طبق مدل اثرات ثابت زمانی برای هریک از سالها یک عرض از مبدا و طبق مدل اثرات ثابت مقطعی برای هریک از متغیرها یک عرض از مبدا ارائه می‌شود. حال برای بررسی اینکه این عرض از مبداها از لحاظ آماری باهم تفاوت معنادار دارند یا خیر، از آزمون چاوطبق فروض زیر استفاده می‌شود.

H_0: تمام عرض از مبداها باهم برابرند.

H_1: عرض از مبداها باهم تفاوت دارند.

۶-۲-۲- آزمون هاسمن

α_i تاریخ گذشته ی هر شرکت یا مقطع را در مدل پانل در بردارد‌که برای تفسیر آن دو رویکرد متفاوت وجود دارد. دو روش Fixed Effect و Random Effect دو رویکرد متفاوت برای برآورد α_i می‌باشد . اگر فرض کنیم تمام افراد یا مقاطع در پنل، کاملا همگن هستند در این صورت لازم نیست نگران عرض از مبدءهای مختلف برای هر فرد یا مقطع باشیم. در حقیقت، رویکرد پنل دیتا به خوبی می‌تواند ناهماهنگی‌های میان افراد را نشان دهد.

این نکته یکی از مزایای مدل داده‌های پانل نسبت به مدلهای مقطعی یا سری زمانی صرف است. اگر گفته هاولمو را بپذیریم که جامعه از بی نهایت تصمیم درست شده است نه بی نهایت افراد ،در این صورت نباید α_i را مشروط و مقید بدانیم بلکه بهتر است آنرا جمله تصادفی بدانیم نه ثابت. رویکرد اثر ثابت، α_i را جمله ای ثابت و مخصوص هر فرد یا مقطع در مدل رگرسیونی فرض می‌کند. مدل اثر تصادفی فرض می‌کند α_i یک جمله تصادفی برای هر گروه است، اما در هر دوره زمانی از این توزیع تصادفی α_i ها، فقط یک رخداد به طور یکسان در هر دوره در مدل رگرسیونی وارد می‌شود. به عبارت دیگر برای کل دوره زمانی، برای هر فرد فقط یک α_i داریم. برای انتخاب یکی از این دو روش از

آزمون هاسمن استفاده می‌شود اگر Prob کوچکتر از یک دهم باشد مدل اثر ثابت در سطح ۹۰ درصد به بالا پذیرفته می‌شود اما اگر بزرگتر ازیک دهم باشد در این صورت مدل اثر تصادفی پذیرفته می‌شود(همان، ۵۷-۵۶).

۶-۲-۳- آزمون White cross-section

اگر ناهمگنی پارامترها میان افراد و مقاطع یا درطول سری زمانی را نادیده بگیریم می‌تواند به برآوردهای ناسازگار یا بی معنی از پارامترها منجر شود. پارامتر α_i ممکن است برای افراد و مقاطع مختلف متفاوت باشد، اگرچه در طول زمان ثابت بماند. اگر این فرض اتخاذ شود، ممکن است انواع توزیع‌های نمونه‌گیری رخ دهد. این توزیع‌های نمونه گیری می‌تواند تا حد زیادی رگرسیون حداقل مربعات y_{it} روی x_{it} را با استفاده از NTمشاهده گمراه کننده کند. برای رفع مشکل واریانس ناهمسانی یا بهبود برآوردها از آزمون White cross-section استفاده می‌کنند.

قدرت جذاب پنل دیتا ناشی از توانایی نظری آن در جداسازی اثرات، اقدامات و رفتار خاص فردی یا سیاست‌های عام تر است. این توانایی نظری بر این فرض استوار است که داده‌های اقتصادی از یک آزمایش کنترل شده به دست می‌آید که در آن رخدادها، متغیرهایی تصادفی با توزیع احتمال است. این رخدادها تابعی هموار از متغیرهای مختلف است که شرایط آزمایش را توصیف می‌کند. اگر داده‌های موجود از آزمایش‌های ساده کنترل شده به دست آید، می‌توان از روش‌های استاندارد آماری استفاده کرد(همان، ۵۷).

۶-۳- آزمون معنی دار بودن مدل مربوط به فرضیه‌ها

٦-۳-۱- آماره f

جهت بررسی معنی دار بودن مدلهای رگرسیون استفاده شده در تحقیق، آزمون تمامی ضرایب آنها که دلالت بر معنی‌دار بودن روابط بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته است از آماره F استفاده شده است. با مقایسه آماره F که طبق فرمول زیر بدست می‌آید و F جدول که با درجات آزادی K-۱ و n-K در سطح خطای ٪ ۵ محاسبه شده، مدل فرضیه مورد بررسی قرار گرفته است.

$$F = \frac{\frac{R^2}{(K-1)}}{\frac{(1-R^2)}{(1-k)}}$$

اگر f محاسبه شده از f جدول بزرگتر باشد، فرضیه تایید می‌شود(همان، ص۵۸).

۶-۳-۲- آزمون خود همبستگی

خود همبستگی، همبستگی بین اعضای سری‌های مشاهداتی است که براساس زمان (مانند داده‌های سریهای زمانی) و یا مکان(مانند داده‌های مقطعی) ردیف شده اند. مدل کلاسیک فرض می‌کند که جزء اخلال مربوط به یک مشاهده، تحت تاثیر جزء اخلال مربوط به مشاهد ه دیگر قرار نمی‌گیرد و اگر تحت تاثیر قرار بگیرد دال برخود همبستگی است (گجراتی، ۱۳۸۵: ۲، ۵۱۳). بنابراین خودهمبستگی زمانی رخ میدهد که جملات اخلال با هم ارتباط داشته باشند و از یکدیگر متاثر شوند. برای تشخیص خود همبستگی از آماره دوربین- واتسون با فرمول زیر استفاده میشود:

$$d = \frac{\sum_{t=2}^{n}(e_t - e_{t-1})^2}{\sum_{t=2}^{n}(e_t)^2} = 2(1-p)$$

e_t: جمله خطا در زمان t، e_{t-1}: جمله خطا در زمان t-۱ است.

دامنه مقادیر نسبت دوربین واتسون بین صفر و چهار است. اگر dw = ۰ نشانه خود همبستگی شدید مثبت، اگر dw = ٤ نشانه خود همبستگی شدید منفی و اگر dw = ۲ نشانه عدم خود همبستگی است (صدیقی و همکاران، ۱۳۸٦: ۱۰۱).

۶-۳-۳- آزمون فرضیه ها

ضریب همبستگی: ضریب همبستگی با توجه به نوع نمودار رگرسیون و نوع نمودار پراکنش دارای حالات مختلفی است و همواره بین۱ و ۱- تعریف می‌شود و هرچه قدرمطلق ضریب همبستگی به عدد ۱ نزدیکتر باشد می‌توان گفت اختلاف مقادیر پیش بینی شده با مقادیر واقعی کمتر خواهد بود، یعنی معادله رگرسیون از خطای کمتر و اعتبار بیشتری برخوردار است. ضریب همبستگی به صورت زیر محاسبه می‌شود(همان،۵۹):

$$r = \frac{n\sum X_i Y_i - (\sum X_i)(\sum Y_i)}{\sqrt{[n\sum X_i^2 - (\sum X_i)^2][n\sum Y_i^2 - (\sum Y_i)^2]}}$$

٦-٣-٤- ضریب تشخیص یا تبیین(R^2،r^2)

ضریب تشخیص شاخصی است برای نشان دادن اعتبار معادله رگرسیون که درصد تغییرات متغیر وابسته را توسط متغیرهای مستقل بازگو می‌کند. مقدار ضریب تشخیص بیانگر درصد انطباق مقادیر پیش بینی شده با مقادیر واقعی است.

ضریب تشخیص ملاک مناسبی برای انتخاب متغیر مستقل است. بین چندین متغیر مستقل، بهترین متغیر مستقل، بزرگترین ضریب تشخیص را دارد. اگر بهترین متغیر مستقل انتخاب شده از سطح قابل قبول ضریب تشخیص برخوردار نباشد، به معنی آن است که تعمیم روند گذشته و پیش بینی y بر اساس یک متغیر مستقل امکان پذیر نیست و باید ترکیبی از متغیرهای مستق(حداقل ۲ متغیر) را پیدا نمود تا ضریب تشخیص را به حد قابل قبول رساند. در این حالت از معادله رگرسیون چندگانه استفاده می‌شود. در مدل رگرسیون چندگانه به جای ضریب همبستگی معمولی از ضریب همبستگی چندگانه استفاده می‌شود. این ضریب نشان می‌دهد که شدت رابطه متغیرهای مستقل به طو کلی با متغیر وابسته به چه میزان است اگر ضریب همبستگی چندگانه را به توان ۲ برسانیم ضریب تعیین به دست می‌آید که معرف میزان تغییر پذیری(انحراف) در متغیر وابسته(y) است که به وسیله معادله رگرسیون توضیح داده می‌شود . سومین مقداری که توسط نرم افزار EVIEWS ۹ محاسبه میشود، ضریب تعیین تعدیل شده میباشد که فرمول آن به صورت زیر است:

$$rAdj^{۲} = ۱ - \frac{\Sigma \frac{(y-\overline{y})^{۲}}{(n-۲)}}{\frac{\sum(y-\bar{y})^{۲}}{(n-۱)}}$$

در واقع این عامل باعث می‌شود که ضریبی که در ضریب تعیین r^2 ناشی از حجم نمونه (n) است برطرف شود. تفاوت این ضریب با ضریب تعیین در عامل (n-۲)/(n-۱) می‌باشد چنانچه مقدار n بزرگ باشد مقدار (n-۲)/(n-۱) به یک نزدیک شده و تفاوت r^2 و $rAdj^2$ به صفر می‌رسد. عامل دیگری که به وسیله نرم افزار محاسبه می‌گردد خطای معیار است که میزان پراکندگی داده‌ها را حول رگرسیون برآوردی نشان می‌دهد(همان،٦٠). با توجه به اینکه در این روش از داده‌های ترکیبی استفاده شده است، متغیرهای مستقل و

وابسته از دو جنبه متفاوت مورد بررسی قرار می‌گیرند؛ از یک سو، این متغیرها در میان سه بخش اقتصادی کشاورزی، خدمات و صنعت و از سوی دیگر در فاصله زمانی ۱۳۸٤-۱۳۹۸ آزمون می‌شوند.

٦-۳-٥- آزمون معنی دار بودن متغیر مستقل

برای این منظور بیشتر از آماره t با فرمول زیر استفاده می‌شود:

$$t = \frac{\hat{\beta}}{SE\hat{\beta}}$$

$$\hat{\sigma}^2 = \frac{\sum e^2}{n-k}$$

$\hat{\beta}$: ضریب تخمینی، $SE\hat{\beta}$: انحراف معیار ضریب تضمینی

e^2: مجذور اختلاف بین مشاهدات واقعی و برآوردی، n: مقدار مشاهدات،

k: تعداد پارامترها. اگر قدرمطلق آماره t محاسبه شده از t جدول(با درجه آزادی n- k و در سطح اطمنیان ۹۰٪، ۹۵٪ و ۹۹٪) بزگتر باشد، ضریب مورد نظر معنی‌دار خواهدبود و دلالت بر وجود ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته می‌باشد(همان،٦۰).

٦-٤- تجزیه و تحلیل داده ها

٦-٤-۱- آمار توصیفی متغیرها.

جدول ۲ آمارتوصیفی داده ها (یافته‌های تحقیق.)

عنوان	تولید ناخالص داخلی	نیروهای شاغل	تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی
میانگین	٥.٤٦٦۳۰۱	٦.۳۹٦۱۳٤	۰.۷٤۰۳
میانه	٥.٤٥٥٦۷٥	٦.٤٤۹۰٤۷	۰.۷٤۹۰٤۱
ماکزیمم	٥.۹۳۲۱٦۳	٦.٦٥۷۸۳٦	۳.۳۸۱۹۹۳
مینیمم	٥.۱۲٦۷۷٤	٥.۹۱٦۹۷۲	-۱.۲٥۱۸۱۲
انحراف معیار	۰.۲٤۲۰٦٦	۰.۲۳٤۲٦۷	۰.۸۷٥٦۲۷
چولگی	۰.٤۸۸۳٤٥	-۰.٥٥٦۳۸۳	۰.۱۳۳۰۹۱
کشیدگی	۲.۲٤۹۰۹۹	۲.۰۰٥۱۰۱	۳.۹٥۱۰۲۲

٦-٤-٢- تجزیه و تحلیل فرضیه

فرضیه تحقیق مبنی براثر تسهیلات اعطایی بانک‌های خصوصی بر رشد اقتصادی (تولید)، طبق فرمول زیر آزمون می‌گردد:

$$\log(GDP_{it}) = \beta_0 + \beta_1 \log(GDP_{it-1}) + \beta_2 \log(LOAN_{it}) + \beta_3 \log(LABOR_{it}) + \varepsilon_{it}$$

و با توجه به نوع مدل، ابتدا اثرات ثابت و مقطعی آزمون گردید. جدول (٤) نتایج آزمون f است که تعیین نسبت رگرسیون با فرضیه را نشان می‌دهد.

در داده‌های ترکیبی اثرهای زمانی و مقطعی داده‌ها و همچنین تاثیر همزمان آنها آزمون می‌شود. طبق مدل اثرات ثابت زمانی برای هریک از سالها یک عرض از مبدا و طبق مدل اثرات ثابت مقطعی برای هریک از متغیرها یک عرض از مبدا ارائه می‌شود. حال برای بررسی اینکه این عرض از مبداها از لحاظ آماری باهم تفاوت معنادار دارند یا خیر، از آزمون چاوطبق فروض زیر استفاده می‌شود.

H_0: تمام عرض از مبداها باهم برابرند.

H_1: عرض از مبداها باهم تفاوت دارند.

اگر احتمال حاصل از آماره آزمون چاو، کمتر از ۰.۰۵ باشد، فرض صفر رد می‌شود و فرض جایگزین(مدل اثرات ثابت) تایید می‌شود.

جدول ۳ نتای‌ج اثرات ثابت مقطعی

Redundant Fixed Effects Tests			
Equation: Untitled			
Test cross-section fixed effects			
Effects Test	Statistic	d.f	Prob.
Cross-section F	۸.۹۰۸۱۳	(۲,۳٤)	۰.۰۰۰۸
Cross-section Chi-square	۱٦.٤۳۲۳۹٥	۲	۰.۰۰۰۳

یافته‌های تحقیق

با توجه به اینکه احتمال آماره آزمون چاو کمتر از ۰.۰۵ است، فرض صفر رد می‌شود و به مدل اثرات ثابت مقطعی ارجحیت داده می‌شود.

بعد از انتخاب مدل اثرات ثابت مقطعی، از آزمون هاسمن برای انتخاب اثرات ثابت و

اثرات تصادفی استفاده گردید. نتایج این آزمون در جدول(٤) درج شده است.

جدول ٤ نتایج آزمون هاسمن

Correlated Random Effects - Hausman Test			
Test cross-section random effects			
Test Summary	Chi-Sq. Statistic	Chi-Sq. d.f.	Prob.
Cross-section random	۱۷.۸۱٦۲٥۹	۲	۰.۰۰۰

یافته‌های تحقیق

احتمال مربوط به آزمون(۰.۰۰۰) کمتر از ۰.۰۵ می‌باشد بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد اثرات تصادفی رد شده و اثرات ثابت پذیرفته می‌شود.

نتایج مربوط به آزمون فرضیه در جدول(٥) آمده است.

جدول ٥ آزمون فرضیه

دوره آزمون: ۱۳۹۸-۱۳۸٤					
Cross-section fixed (dummy variables)					
ضریب تعیین			۰.۷۷۸		
ضریب تعیین تعدیل شده			۰.۷٥۲		
آماره f			۲۹.۷۸		
احتمال			۰.۰۰۰		
آماره دوربین- واتسون			۰.٤٤٥		
متغیرتوضیحی	ضریب	انحراف معیار	آماره t	احتمال	سطح اطمینان
C	-۰.۷٤٦٦	۱.۲۹٦۱٤٤	-۰.٥۷٦۰۱	۰.٥٦۸٤	۹٥٪
LOAN	۰.۰۳۱٦٤۷	۰.۰٤۰۳۹۱	۰.۷۸۳٥۳٤	۰.٤۳۸۷	۹٥٪
LABOR	۰.۹٦۷٦۸۹	۰.۲۰۳۹٥۳	٤.۷٤٤٦٦	۰.۰۰۰	۹٥٪

یافته‌های تحقیق

از آماره F و احتمال مربوط به آن نتیجه گرفته می‌شود که در سطح اطمینان ٪ ۹۹ معادله رگرسیون معنی دار است. نتایج مربوط به آماره دوربین واتسون(عدم خود همبستگی جملات خطا) برای مدل

نشان از همبستگی داده‌ها دارد.

ضریب تعیین مدل میزان ارتباط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته را بیان می‌کند براساس جدول(۵) ضریب تعیین مدل ۰.۷۸ بدست آمده و این به آن معنی است که ۷۸٪ تغییرات تولید ناخالص داخلی به متغیرهای مورد نظر در مدل مربوط می‌شود. برای تعیین میزان ارتباط بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل، ضریب تعیین تعدیل شده مناسب تر است زیرا در این فاکتور، درجه ازادی نیز در نظر گرفته شده است بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که ۷۵٪ تغییرات متغیر وابسته توسط مدل تبیین می‌گردد.

احتمال مربوط به متغیر نیروی کار(Labor) که صفر می‌باشد به این معنی است که این متغیر در سطح اطمینان۹۵ درصد در مدل معنی دار می‌باشد اما احتمال مربوط به تسهیلات اعطایی بانک‌ها بزرگتر از ۰.۰۵ است و به این معنی است که تسهیلات بانک‌های خصوصی در افغانستان که مهمترین متغیر در تایید یا رد فرضیه می‌باشد، در سطح ۹۵٪ نقشی در رشد اقتصادی نداشته است بنابراین فرضیه پژوهش تایید نمی‌گردد.

۷- چرایی رد فرضیه

اثرگذاری مثبت تسهیلات بانکی بر روند تولید، قاعده حاکم در اقتصادهای دنیا و از فروض اثبات شده در اکثر کشورهای دنیاست. عدم صدق فرض مذکور در افغانستان می‌تواند دلایلی داشته باشد که به آنها اشاره خواهد شد. ظاهرا این نتیجه قبلا از زبان یکی از وزرای پیشین مالیه/ دارایی افغانستان نیز بیان شده بود؛ او در مصاحبه ای گفته بود:« که بانک‌ها در توسعه و تحرک اقتصادی در افغانستان نقش نداشته‌اند»(بهزاد، ۱۳۹۸) و در ایفای وظیفه خود که ایجاد «سهولت‌ها برای سرمایه‌گذاری و تجارت، خصوصا برای صادرات» می‌باشد ناکام بوده اند(همان). بسیاری از کارشناسان دیگر نیز معتقدند« که این بانک‌ها نتوانسته مانند دیگر کشورها در راستای کار آفرینی خارج از محدوده بانکی نقش اساسی داشته باشند»(همان).

صاحب نظران، علت عمده این ناکامی را عواملی دانسته‌اند که به آنها اشاره می‌شود:

۱. اعتماد اندک مردم به سیستم بانکی و استقبال اندک از آن

تداوم چند دهه جنگ و ناآرامی، بی ثباتی سیاسی و اقتصادی و ... باعث شکل گیری نوعی بی اعتمادی نسبت به نهادهای دولتی و خصوصی از جمله سیستم بانکی شده است. تعداد سپرده گذاران در بانک‌های افغانستان نه تنها نسبت به متوسط جهانی پایین تر است بلکه در مقایسه با کشورهای همسایه نیز پایین ترین رتبه را دارد. جدول(٦)، آمار مربوط به سپرده‌گذاری در بانک‌ها را نشان می‌دهد. طبق آمار ارائه شده توسط بانک مرکزی، حد فاصل سالهای ۱۳۹۷-۱۳۸٦ به طور متوسط ۸.۹۵٪ مردم، اقدام به افتتاح حساب در بانک‌ها نموده و یا موفق به افتتاح حساب در بانک‌ها شدند.

جدول ٦ آمار سپرده گذاران

سال	سپرده‌های بانکی نزد بانک‌های خصوصی (میلیارد افغانی)	کل سپرده‌های بانکی(میلیارد افغانی)	نسبت سپرده گذاری در بانک‌های خصوصی به GDP(٪)	نسبت سپرده‌گذاری کل به GDP(٪)	تعداد سپرده گذاران	نسبت سپرده گذاران به کل جمعیت (٪)
۱۳۸٤	۲٦.۳۹	٤۰.٦	۸.۰۵۲	۱۲.۳۸۸	NA	-
۱۳۸۵	NA	٦۳.۹۳	-	۱۷.۰٤۱	NA	-
۱۳۸٦	NA	۱۱۷.۷	-	۲۲.٦۹۵	۵۲۲,٤۷۱	۲.۳۳
۱۳۸۷	۱۰۹.۲۰	۱٤۹.۸۷	۲۰.۱۸۰	۲۷.٦۹۷	۹۵۹,۹٤۰	٤.۱۷
۱۳۸۸	۱۰٤.۸۵	۱۵٦.۵٤	۱٦.۵٦۹	۲٤.۷۳۸	۱,۲۸۵,۵۵۳	۵.٤۵
۱۳۸۹	۸۹.۲۷	۱۸۰.٤۲	۱۱.۹۵۳	۲٤.۱۵۷	۱,۷۱۱,۹۵۰	۷.۰۵

۱۳۹۰	۱۱۰.۹٤	۱۹۲.۲٤	۱۲.۳۸۰	۲۱.٤٥۱	۲,۲۲۸,۲٥۹	۸.۹۰
۱۳۹۱	۱۲۹.۱۰	۲۰۷.۸۲	۱۱.۸۸٦	۱۹.۱۳۳	۲,۷۳۸,۷۹٥	۱۰.٥۹
۱۳۹۲	۱٤۰.٦۹	۲۱۸.۸٤	۱۱.۷٥۷	۱۸.۲۸۷	۲,٦۹٥,۱۳۹	۱۰.۰۸
۱۳۹۳	۱٥٦.۸۹	۲۳۷	۱۲.۸٤۹	۱۹.٤۰۹	۳,۱۳٤,۷٥٤	۱۱.۳٦
۱۳۹٤	۱٦٥.۱۳	۲٥٤.۹٥	۱۳.۱۰٦	۲۰.۲۳٤	۳,٤۳٥,۱۸۹	۱۲.۰۹
۱۳۹٥	۱۷۳.۳۱	۲۷۰.۲٥	۱٤.۱۷۲	۲۲.۰۹۹	۳,٥۹۱,٥۷۹	۱۲.۳۰
۱۳۹٦	۱۸۸.۰٥	۲۷۳.۳۳	۱٤.٦۲۹	۲۱.۲٦۳	۳,۳۹٦,٦۲۱	۱۱.٤٤
۱۳۹۷	۱۸۲.۰٤	۲٦٦.٥۷	۱۳.۷۱۱	۲۰.۰۷۸	۳,٦۸۷,۲۰٦	۱۱.٦۷
۱۳۹۸	NA	NA	-	-	-	-

(گزارشهای سالانه بانک مرکزی افغانستان و یافته‌های تحقیق)

مراجعه مردم به بانک‌ها برای دریافت قرضه(وام) به مراتب کمتر از تعداد کسانی است که اقدام به سپرده‌گذاری کرده اند.

جدول ۷ آمار وام گیرندگان

سال	وامهای اعطا شده توسط بانک‌های خصوصی (میلیارد افغانی)	کل وامهای اعطایی (میلیارد افغانی)	تعداد وام گیرنده	نسبت وام گیرندگان به کل جمعیت(٪)
۱۳۸٤	۷.۰٤	۸	NA	NA
۱۳۸٥	۱۹.۳۱٦	۲۱.۹٥	NA	NA
۱۳۸٦	NA	٤۰	٤۸,۰٥۱	۰.۲۱
۱۳۸۷	٤۳.٤۳۰٥۲	٥۲.۱٥	٤۲,٤۸۱	۰.۱۸
۱۳۸۸	٥٥.۳۷۲۸۷۲	٦٦.٤۹	٥۸,۱۱۰	۰.۲٥

۰.۲۵	۵۹,۷۵۰	۸۰.۲٤	۷۰.۰۸۹٦٤	۱۳۸۹
۰.۲۳	۵۸,٦۱۰	٤۰.۰۵	۲۹.٤٤٤۷٦	۱۳۹۰
۰.۲٦	٦۷,٦٤٦	٤۲.۱٦	۳٤.۵۹٦٤۹٦	۱۳۹۱
۰.۲٤	٦٤,۵٤۹	٤٦.۹٤	٤۱.٤۹۹٦۵٤	۱۳۹۲
۰.۲۰	۵٤,۲۱۷	٤۳.۲۳	۳۸.۵۰۰٦۳۸	۱۳۹۳
۰.۱۹	۵۵,۳٦٦	٤۵.٤۱	٤۱.۹۷۷۰۰٤	۱۳۹٤
۰.۲۰	۵۹,۳۷۹	٤۱.۲۵	۳۷.۷٦۸۵	۱۳۹۵
۰.۲۲	٦٤,۱۰۳	٤۱.۸	۳۷.۵۵۳۱۲	۱۳۹٦
۰.۲۳	۷۲,٤۵٤	٤۱.٤۳	۳٦.۸۲۲۹۸٤	۱۳۹۷
NA	NA	٤۱.۱۵	۳٦.۵۰۰۰۵	۱۳۹۸

گزارشهای سالانه بانک مرکزی افغانستان.

۲. استفاده از ارزهای خارجی در مبادلات عمده

سابقه استفاده از ارزهای خارجی (پولهای تعویضی) در معاملات و مبادلات تجاری به دهه هفتاد و حتی ماقبل آن بر می‌گردد؛ زمانیکه حجم نقدینگی به دنبال چاپ بی رویه پول در سالهای دهه ۱۳۷۰ همزمان با شروع جنگهای داخلی به شدت بالا رفت و ارزش آن به شدت سقوط نمود؛ استفاده از واحدهای پولی کشورهای همسایه در نواحی مرزی با آنها و دلار و یورو به شدت گسترش یافت. این موضوع ضمن اینکه «عواید ناشی از مصرف چاپ و نشر پول را کاهش میداد»(گزارش سالانه بانک مرکزی افغانستان، ۱۳۹۰: ۳۵) موجب می‌شد که«سنجش میزان پولهای تعویضی در گردش برای بانک مرکزی مشکل»(همان،۳۵) گردد. هرچند اصلاح واحد پولی افغانی درسال ۱۳۸۱ باعث حل بسیاری از مشکلات گردید و «با وجود بهبود قابل ملاحظه در عرصه عدم استفاده مردم از پولهای خارجی در مراودات روزمره و اجرای بعضی از قراردادها به افغانی که در نتیجه ثبات قیمتهای داخلی و همچنین ثبات نسبی در ارزش پول افغانی ایجاد نموده بود، این

پدیده همچنان یکی از چالشهای عمده تطبیق سیاست پولی باقی مانده است»(همان، ۱۳۹۲:۵۱) «آمریت سیاست پولی، به منظور شاخص سازی پولهای درگردش تعویضی از سپرده‌های بانکی منحیث شاخص پولهای تعویضی استفاده کرد.»(همان، ۱۳۹۰:۳۵) نمودار(۸)، درصد سپرده‌های بانکی به افغانی را نشان می‌دهد.

جدول ۸ درصد سپرده‌های بانکی به افغانی

سال	۱۳۸٤	۱۳۸۵	۱۳۸٦	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹٤	۱۳۹۵	۱۳۹٦	۱۳۹۷	۱۳۹۸
درصد سپرده‌های بانکی به افغانی	NA	۲۰.۰۰	۲۲.۰۰	۲۹.۰۰	۳۰.۰۰	۳۵.۰۰	۳۵.۰۰	۲۹.۵۳	۳۱.۸۵	۳٤.۰۸	۲۷.۸٦	۱۹.۹۳	۳۳.۳٤	۲۹.٦۸	۳۰.۹۲

گزارشهای سالانه بانک مرکزی افغانستان، سالهای ۹۸ – ۹۰

۳. تخصیص نابرابر تسهیلات

طبق جدول(۹)، در حالیکه سهم بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات در تولید ناخالص داخلی به طور متوسط(و به ترتیب)۲۸.٤، ۲۰ و ۵۱.٦۱ درصد در طی سالهای مورد بررسی بود، متوسط قرضه(وام)های اعطا شده به این بخشها در این مدت ۲.٤۷، ۲۱.۱۲ و ٦۰.۲۱ درصد بود. این آمار نشان می‌دهد که تسهیلات بانک‌های خصوصی بیش از آنکه افزایش تولید و بهبود عملکرد آن را هدف قرار دهد، صرف واردات کالاها و مواد مصرفی شده است.

جدول ۹ مقایسه سهم بخش‌های اقتصادی در تولید ناخالص داخلی و تسهیلات اعطایی به آنها.

سال	سهم بخش کشاورزی در GDP(٪)	سهم بخش صنعت در GDP(٪)	سهم بخش خدمات در GDP(٪)	قرضه به بخش کشاورزی(٪)	قرضه به بخش صنعت(٪)	قرضه به بخش خدمات(٪)
۱۳۸۳	۳۵.۲۵	۲۵.۹٦	۳۸.۷۹	NA	NA	NA
۱۳۸٤	۳۳.٦۹	۲۷.۰۰	۳۹.۳۰	NA	NA	NA

NA	NA	NA	۳۹.٦۹	۲٥.۸۲	۳٤.٤۹	۱۳۸٥
۸۸.٦۷	٦.۷٤	۰.۱٤	٤٥.۱۸	۲٦.۳۲	۲۸.٥۰	۱۳۸٦
۷۱.۰۰	۱.٤۳	۰.۱۳	٤٥.۸٦	۲۱.۹۲	۳۲.۲۲	۱۳۸۷
٦٦.٦٤	۱.۲۲	۰.۸۸	٤۹.۸٤	۲۱.۳٥	۲۸.۸۱	۱۳۸۸
٤۹.٥٦	۲.۷٤	۰.۷٥	٤۹.٦۲	۲۲.۳۹	۲۷.۹۹	۱۳۸۹
٥۱.۹۲	۱٤.۰۱	۲.۰٦	٥۲.۲۷	۲۱.۳۳	۲٦.٤۰	۱۳۹۰
٥۷.۱٦	۱۱.۹۹	۲.٦٦	٥۳.۸۷	۲۰.٤٤	۲٥.٦۹	۱۳۹۱
۷۰.٦۲	۹.٤۳	۲.۳۸	٥۳.٦۲	۲۱.٤٥	۲٤.۹٤	۱۳۹۲
٥۰.۳۷	۳۲.۹٦	۲.٦٥	٥٤.٦٦	۲۲.٦۸	۲۲.٦٦	۱۳۹۳
٥٥.۳۱	۳۹.۰۰	۲.۷۱	٦۱.۹۸	۱۰.۹۹	۲۷.۰۳	۱۳۹٤
٥۷.۹۹	۳٤.۹۲	۳.۲٦	٦۱.٥۳	۱۰.٦۰	۲۷.۸۷	۱۳۹٥
٥۳.۸۷	۳۹.۸۳	٤.۱۷	٦۲.٦۷	۱٤.۱۱	۲۳.۲۳	۱۳۹٦
٤۳.۰٥	٥۲.۸۲	٤.۱٦	٥۸.۲۱	۱٤.۷٥	۲۷.۰٤	۱۳۹۷
٦٦.٥۱	۲۷.۲۹	٦.۲۱	٥۸.٦۸	۱۳.۰٥	۲۸.۲۷	۱۳۹۸

(GDP :afg-key-۲۰۲۱, asian development bank)

٤. وجود سیستم سنتی

با وجود پیشرفت در ارائه خدمات مالی و پولی، بخش سنتی(بازار غیر متشکله پولی شامل صرافان، اشخاص انفرادی، شرکتها، دستگاههای دولتی) رقیب جدی برای بانک‌ها محسوب می‌شود.

۵. ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت و کشاورزی

تصمیم دولت به کاهش عوارض گمرکی هرچند از یک طرف باعث می‌شود کالاها با قیمت ارزانتر به دست مردم برسد اما از طرف دیگر به دلیل عدم حمایت از تولیدکنندگان داخلی، توانایی آنها در رقابت با محصولات وارداتی کاهش یافته و امکان ورشکستی سرمایه گذاران را افزایش می‌دهد. یکی از علتهای عدم رشد صنعت تولید مواد غذایی و

صنعت چاپ و نشر در افغانستان، عدم توانایی آنها در رقابت با صنایع مشابه در کشورهای همسایه افغانستان می‌باشد(لنگه و اشتوکهاو، رشد و انکشاف اقتصادی افغانستان، ص۷). این مساله در کنار مسائل امنیتی، نبود زیرساختهای مناسب حمل و نقل و انرژی و کشاورزی سنتی می‌تواند از دلایل عدم رغبت مردم و بانک‌ها برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های صنعت- معدن و کشاورزی باشد.

سرمایه‌گذاری در بخش‌های ساختمانی، خدمات و تجارت ضمن برخورداری از ریسک کمتر، عدم وابستگی یا وابستگی کمتر به تجهیزات سنگین و زیربناهای اقتصادی، هم سرعت بازگشت سرمایه در آن بالا هست و هم سود اقتصادی بیشتری برای سرمایه گذار دارد.

۱- سرمایه‌گذاری بانک‌ها در املاک خارج از کشور

۲- وجود فساد اداری

۳- تمرکز فعالیت بانک‌ها در چندشهر عمده و مراکز ولایات/استانها:

افراد در شهرهای کوچک برای افتتاح حساب به بانک‌ها دسترسی ندارند. «فقط حدود ۳۳٪ از مالکین مغازه‌های تجارتی دارای حساب بانکی هستند. درعوض سیستم «حواله» مناسب‌ترین وسیله برای انتقال پول می‌باشد»(همان،١٤)

۱۰- نتیجه‌گیری

مطالعات در بسیاری از کشورها نشان داد که تسهیلات بانکی در زمینه تولید در رشد اقتصادی مؤثر بوده است اما طبق این تحقیق، اثر تسهیلات بانکی بر رشد اقتصادی افغانستان تایید نگردید. به نظر می‌رسد دلیل این ناکامی می‌تواند هم مربوط به متغیرهای کلان اقتصادی باشد و هم ساختار بانک‌ها. محدود بودن فعالیت بانک‌ها به مراکز شهرها، بی ثباتی امنیتی و اقتصادی و اتکای بیش از حد آنها به حمایت‌های خارجی، تسلط رابطه بر ضابطه در ساختار اداری کشور، وجود بیش از حد فساد اداری، عدم حمایت دولت از تولیدات و صنایع داخلی و... زمینه ساز بی اعتمادی مردم به حاکمیت، نظام بانکی و پول رایج در کشور شد و اکثریت مردم استفاده از سیستم‌های سنتی دریافت قرض و انتقال پول را به سیستم‌های جدید بانکی ترجیح دادند.

ریسک بالای سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی و صنعت به دلیل نبود زیر ساختهای اولیه، عدم حمایت دولت از سرمایه‌گذاران در برابر رقبای خارجی بهره مند از یارانه‌ها(سوبسیدها)ی دولت متبوع شان باعث شد صاحبان ایده‌های مختلف یا کشور را ترک کنند و یا بخش خدمات، تجارت، املاک و فعالیت‌های سفته بازی را برای سرمایه‌گذاری ترجیح دهند. آگاهان امور ازخارج شدن سرمایه‌های بانکی به خارج از کشور وسرمایه‌گذاری گسترده بانک‌های خصوصی افغانستان در بخش املاک کشورهای حوزه خلیج فارس خبرداده اند. فساد در کابل بانک که در سال ۱۳۸۹ رسانه ای شد نمونه ای از معضلات سیستم بانکی و اداری افغانستان می‌باشد که زمینه تحقق بسیاری از فرضیه‌های ثابت شده را در افغانستان منتفی می‌سازد.

فهرست منابع

۱- ابراهیمی، الهه(۱۳۸۷)، آینده روشن با سهام، نوای مدرسه، تهران.

۲- اتاق تجارت و صنایع افغانستان(۱۳۹۰)، گزارش میزگرد "فرصتی برای بیداری ملی"، کابل.

۳- اتاق تجارت و صنایع افغانستان(۱۳۹۲)، گزارش همایش ملی اقتصادی افغانستان، کابل.

٤- اداره مرکزی احصائیه افغانستان(۱۳۹۵)، سروی مؤسسات اقتصادی ۱۳۹٤، کابل.

۵- بانک انکشاف آسیایی(۲۰۰۸)، استراتژی مشارکت در کشور.

٦- بانک جهانی(۱۳۹۵)، گزارش اقتصادی افغانستان.

۷- بانک جهانی، چکیده گزارش تحلیل وضعیت فقر، وزارت اقتصاد افغانستان.

۸- بانک مرکزی افغانستان(۱۳۹۸- ۱۳۸۵)، گزارش سالانه بانک مرکزی.

۹- بانک مرکزی افغانستان، مشکلات و نگرانیهای اقتصاد دالری در افغانستان.

۱۰- برانسون، ویلیام اچ(۱۳۸٦)، تئوری و سیاستهای اقتصاد کلان، ترجمه عباس شاکری، نشر نی، چاپ یازدهم، تهران.

۱۱- بهزاد، نصیر احمد(۱۳۹۸)، بانکداری در افغانستان، سایت فارسی بی بی سی.

۱۲- بودجه مالی دولت، سالهای ۱٤۰۰ – ۱۳۸۳.

۱۳- بیژنی، بیتا(۱۳۹۵)، نقش تسهیلات اعطایی بانک‌ها بر رشد اقتصادی بخش‌های مختلف کشور(پایان نامه کارشناسی ارشد توسعه اقتصادی)، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تهران مرکزی.

۱٤- توتونچیان، ایرج(۱۳۷۵)، اقتصاد پول و بانکداری، خورشید، تهران.

۱۵- جمشیدی صفا، فریبرز(۱۳۹٤)، تاثیر روابط بلندمدت میان تسهیلات اعطایی بانکی و تولید صنعتی(بانک ملی ایران)، (پایان نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی سیستم‌های اقتصادی)، دانشگاه آزاد اسلامی- واحد تهران مرکزی.

۱٦- دادگر، یدالله و رحمانی، تیمور(۱۳۸۲)، مبانی و اصول علم اقتصاد، بوستان کتاب، چاپ سوم، قم.

۱۷- رحمانی، تیمور(۱۳۸٦)، اقتصاد کلان ج۲، انتشارات برادران، تهران.

۱۸- صدیقی، اچ.آر و لاولر، کی.ا. و کاتوس، ا.وی(۱۳۸٦)، اقتصاد سنجی رهیافت کاربردی، ترجمه شمس الله شیرین بخش، انتشارات آوای نور، تهران.

۱۹- ضیائی بیگدلی، محمدتقی و طهماسبی، فرهاد(۱۳۸٤)، مالیات بر ارزش افزوده ، مالیاتی مدرن، انتشارات پژوهشکده امور اقتصادی، چاپ دوم، تهران.

۲۰- عبدالله زاده، فرهاد(۱۳۸۱)، مدیریت سرمایه‌گذاری و بورس اوراق بهادار، نشر پردازش گران، چ۱.

۲۱- قره باغیان، مرتضی(۱۳۸۹)، اقتصاد رشد و توسعه، ج۱، چاپ دهم، نشرنی، تهران.

۲۲- گجراتی، دامودار(۱۳۸۵)، مبانی اقتصاد سنجی ج۲، ترجمه حمید ابریشمی، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، تهران.

۲۳- لنگه، کریستین و اشتوکهاو، ریتا، رشد و انکشاف اقتصادی افغانستان، ترجمه ابراهیم هوتک، کابل، انتشارات بنیاد فردریش ایبرت(دفتر افغانستان).

۲٤- مساح، محمد(۱۳۸٤)،تحلیل تکنیکی از (الف) تا (ی)، انتشارات چالش، تهران.

۲۵- مهربانی، رامین(۱۳۹۷)، تاثیر مطالبات معوق بر عملکرد شعب بانک سپه استان یزد، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه علم و هنر، یزد.

۲٦- نظری، محسن(۱۳۹۱)، اقتصاد کلان ،انشارات نگاه دانش،تهران.

۱) Abusharbeh ،Mohammad T., The Impact of Banking Sector Development on Economic Growth: Empirical Analysis from Palestinian Economy, Journal of Emerging Issues in Economics, Finance and Banking, V ٦, I ۲, ۲۰۱۷.

۲) Felicia,Olokoyo and et all. , the Impact of Banks' Activities on Economic Development in Nigeria, International Business Management, ۱۰(۲۲), ٥۳٤۱-٥۳٥۱, ۲۰۱٦.

۳) International Monetary found, Islamic Republic of Afghanistan, Washington, IMF country report No. ۱۹/۳۸۲, ۲۰۱۹.

٤) International Monetary fund, Islamic State of Afghanistan: Selected Issues and Statistical Appendix, Washington, IMF Country Report No. ۰٥/۳٤, ۲۰۰٥.

٥) Khan, Faruk and Joya, Omar, Afghanistan Economic Update, The World Bank, Oct ۲۰۱۳.

٦) Ministry of Finance, Annual Fiscal Report, Kabul, ۱۳۸۹ – ۱۳۹۸.

۷) Nassif, Claudia and et all, Afghanistan Economic Update, The World Bank, Oct ۲۰۱۲.

۸) Nassif, Claudia and et all, Afghanistan Economic Update, The World Bank, Oct ۲۰۱٤.

۹) Raju, Ahmad and et all, Banking Sector Development and Economic Growth in Bangladesh: An Empirical Analysis, Canadian Journal of Researcher's Society, Vol: ۰۹, No: ۰۱, ۲۰۱۹.

۱۰) Srinivasan, T. G. and Ishihara, Yoichiro; Afghanistan Economic Update, The World Bank, Sep ۲۰۰۹.

۱۱) The World Bank, Afghanistan Development Update, Washington, ۲۰۱٦.

۱۲) https://dab.gov.af/dr/node/۲۷۵۲